

## مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاست‌گذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

سید امین رضوی نژاد<sup>۱</sup> - جواد رزاقی<sup>۲</sup>

### چکیده

زمینه: تأمین امنیت که از وظایف اصلی و عمده دولت‌هاست نیاز به سیاست‌گذاری در این حوزه را ضروری می‌نماید. در این راستا مدل‌سازی یکی از تکنیک‌های تسهیل فهم و اجرای فرایند سیاست‌گذاری امنیتی است که به مدد دولت‌مردان می‌آید. طبق تعریف امنیت داخلی، مردم نقشی محوری در مباحث امنیتی دارند و مجذوب کردن و رضایتمندی مردم، شاخصی مهم برای سنجش امنیت داخلی محسوب می‌شود.  
هدف: مقاله حاضر باهدف طراحی مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاست‌گذاری حوزه امنیت داخلی در ج.ا.ایران نگارش شده است.

روش‌ها: روش این پژوهش کیفی می‌باشد که با تکیه بر تحلیل و توصیف محتوای برخی نوشته‌های مربوط به رخدادهای امنیتی در جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است. گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، از طریق بررسی منابع مکتوب و غیر مکتوب و مراجعه به کتابخانه و پایگاه‌های الکترونیکی انجام گرفت.

یافته‌ها: مدل تلفیقی از نظریات اتزیونی (L.R.F) و هیرشمن (E.V.L) به‌عنوان مدل مطلوب، طراحی و تبیین شده است. در این مدل، روش اجرای سیاست‌های امنیت داخلی تا حد زیادی مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای مردم می‌باشد و استفاده از زور، اجبار و ترس در حد کمی وجود داشته و حد متوسطی از به‌کارگیری پاداش نیز مطمح نظر می‌باشد. در صورتی‌که اجرای سیاست‌ها موجب وفادار نمودن مردم و یا باعث تبدیل معترضین به وفاداران شود (وضعیت L.L و R.L)، اجرای مطلوبی بوده و منجر به پایان سیاست می‌شود. در غیر این صورت اگر موجب تقابل مردم با نظام (گزینه خروج) و یا تبدیل معترضین به مخالفان نظام گردد، اجرا نامطلوب بوده و منجر به اتخاذ یکی از گزینه‌های اصلاح (تغییرات جزئی شامل وضعیت‌های R.V، L.V، F.L و یا توقف (تغییرات اساسی شامل وضعیت‌های F.E، R.E، L.E، F.V) در سیاست خواهد شد.

نتیجه‌گیری: تلفیق بیرونی میان دو مثلث، به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد تا با دستیابی به ترکیب‌هایی متفاوت از تلفیق درونی، یک اجرای مطلوب از سیاست‌ها را مدنظر قرار داده و در مقابل چنین اجرایی، رفتاری مطلوب و مشابه را انتظار داشته باشند.

کلیدواژه: سیاست‌گذاری، امنیت داخلی، مدل، رضایتمندی

<sup>۱</sup> دکترای تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، پژوهشگر حوزه امنیت (نویسنده مسول) [razavi19202@gmail.com](mailto:razavi19202@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه امام محمد باقر(ع)، تهران، ایران

## مقدمه

روند، تلاش دولت‌ها در راستای مقابله و جلوگیری از بروز بحران و یا فاجعه می‌باشد و در صورت حدوث، چگونگی اقدام مطلوب و متناسب، به‌گونه‌ای که تابع حداقل هزینه و حداکثر سود باشد، مدنظر می‌باشد و در نهایت در وضعیت عبور از بحران، چگونگی ارزیابی، بهره‌برداری و استفاده‌ی مفید از شرایط پیش‌آمده مطمح نظر می‌باشد.

بروز بحران و مختل شدن امنیت در جامعه، موجب ناهنجاری، نارضایتی و ایجاد بی‌ثباتی می‌گردد و اگر نظام نتواند تهدیدات امنیتی را پیش‌بینی و یا بحران امنیتی را کنترل و هدایت نماید امکان سرنگونی با وقوع پدیده‌های اجتماعی همچون انقلاب وجود دارد. لذا دولت‌ها برای ایجاد، حفظ و تقویت امنیت خود، نیاز ضروری به سیاست‌گذاری امنیتی دارند تا در وضعیت‌های گوناگون، الگویی مرتبط با آن را پیش بگیرند.

سیاست‌گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. در این حال باید اشاره کرد که یکی از ابزارهای مهم در این راستا "مدل" می‌باشد. در واقع مدل‌ها ابزارهای مدیریتی قوی و توانمندی هستند که سیاستمداران و سیاست‌گذاران به‌منظور سیاست‌گذاری در حوزه امنیت، جهت پیشبرد اهداف کلان سیاست‌های ملی به آن نیاز دارند. مدل، تصویر ساده‌شده برخی جنبه‌های دنیای واقعی است. مدل‌هایی که در مطالعه سیاست به کار می‌روند، مدل‌هایی مفهومی هستند که در قالب آن‌ها، درک و فهم پدیده‌های سیاسی-اجتماعی به کمک تجرید و تعمیم مفاهیم، مؤلفه‌ها و عوامل را ساده می‌نماید.

بنابراین برای سیاست‌گذاری در حوزه امنیت داخلی همچون سایر حوزه‌ها، نیازمند مدل مناسب هستیم. چراکه روند تغییر و تحول ناشی از عصر جدید، توسعه علم و فناوری و فرآیند جهانی‌شدن، دگرگونی جوامع را سرعت بخشیده و دولت‌ها را با

امنیت یکی از مقولاتی است که بشر در طول تاریخ همواره به دنبال آن بوده و برای به دست آوردن آن هزینه‌های زیادی را متقبل شده است. علاوه بر آنکه امنیت به‌عنوان نیاز و ضرورت اساسی مردم مطرح می‌باشد، اهمیت امنیت تا آنجاست که برخی اندیشمندان فلسفه‌ی وجودی و ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت در گذشته و همچنین مهم‌ترین کارکرد دولت‌های ملی در جهان امروز را تأمین همین نیاز بشری می‌دانند. البته امنیت در هر دوره‌ای، معنای خاصی داشته است؛ گاه تنها معنای «حفظ جان و صیانت نفس» (در اندیشه‌ی هابز) داشته و زمانی دیگر، «حفظ اموال و دارایی» (در اندیشه‌ی لاک) به معنای آن اضافه‌شده است. (اشتراوس ۱۳۷۳، ۶۲) لکن امروزه معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت کشیده شده است. اهمیت یافتن بُعد ذهنی امنیت و یا همان احساس امنیت به همراه فعال شدن امنیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و به‌خصوص امنیت اجتماعی در مقابل امنیت نظام (امنیت موسع در مقابل امنیت مضیق)، به همراه شکسته شدن حاکمیت انحصاری دولت در این بخش، تحولاتی اساسی هستند که در عرصه‌ی امنیت پدید آمده است. (یزدانی و خداپنده ۱۳۹۰، ۱۶۳) بر این اساس بخش مهمی از مطالبات مردمی و به دنبال آن، سیاست دولت‌ها از آغاز پیدایش دولت‌های ملی تاکنون، سیاست‌های امنیتی به‌منظور تأمین امنیت به‌عنوان ضرورت جامعه بوده است.

از سوی دیگر، دولت‌ها پس از تأسیس، برای حفظ ثبات و بقای خود نیز نیازمند امنیت می‌باشند. از این منظر برای تأمین امنیت در جامعه، بر دولت‌ها فرض است با نگاهی به گذشته، تجزیه و تحلیل روندهای کنونی و آینده‌پژوهی، اقدام به شناسایی آسیب‌ها و تهدیدات امنیت نموده و برای چگونگی مواجهه و مقابله با آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نمایند. در این

فرضیه فرعی نیز عبارت است از: برای مواجهه با چالش‌ها و معضلات امنیت داخلی فراروی ج.ا.ایران، نیاز به طراحی و تبیین مدل‌های جدید سیاست‌گذاری، متناسب با شرایط عصر جدید و بومی‌سازی است، چراکه الگوهای سنتی سیاست‌گذاری امنیتی پاسخگو نخواهد بود.

عنوان مقاله حاضر، مجموعه‌ای از واژگان را در دل خود جای می‌دهد که بیانی موجز از معانی موردنظر آن‌ها، لازم به نظر می‌رسد. از این رهگذر، نخستین واژه سیاست‌گذاری عمومی است. با نگاهی گذرا به آثار مهم در زمینه سیاست‌گذاری، تعاریف بی‌شماری می‌توان یافت که هر یک از نگاه خویش به این پدیده نگریسته است.

سیاست‌گذاری عمومی برنامه مدونی از اهداف، ارزش‌ها و کنش‌ها است (لاسول و لرنر<sup>۱</sup>، ۱۹۵۹، ۴). سیاست‌گذاری فرآیندی است که دولت‌ها به وسیله آن دیدگاه سیاسی خویش را به برنامه‌ها و کنش‌هایی ترجمه می‌کنند تا نتایج آن‌ها را توزیع نمایند (ناتلی و ویب<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ۱۴). سیاست‌گذاری، عمل و یا عمل نکردن یک دولت است (شافریتز<sup>۳</sup>، ۱۳۹۰، ۴۱). سیاست‌گذاری عمومی مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (پیترز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴، ۲۱).

با توجه به تعاریف متعددی که وجود دارد، تعریفی که از سیاست‌گذاری در این مقاله ارائه می‌شود به شرح ذیل می‌باشد:

“سلسله اقدامات و تصمیماتی است برای حل چالشی که در صورت عدم رفع آن چالش، بازتاب‌ها و کنش‌های عمومی را به دنبال خواهد داشت.”

دومین واژه امنیت است. امنیت در لغت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش، بی‌هراسی (معین ۱۳۵۳، ۳۵۴)، اطمینان و سکون قلب (راغب ۱۳۸۸، ۲۱) و در اصطلاح، به معنای مصون بودن از تهدیدات

ترکیب تازه‌ای از تهدیدات امنیتی روبرو نموده است که برای مواجهه با آن‌ها، الگوها و مدل‌های سنتی سیاست‌گذاری امنیتی شاید پاسخگوی خوبی نباشند. در این مقاله تلاش می‌شود مدل جدید و متناسب با متغیرهای عصر حاضر به‌منظور سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیت داخلی طراحی و ارائه گردد.

در حال حاضر الگوهای مختلفی برای سیاست‌گذاری در حوزه امنیت داخلی وجود دارد که عمدتاً در محیط و زیست‌بوم خاص خود به وجود آمده است و بر این اساس مبتنی بر ارزش‌های بومی و نیازهای همان زیست‌بوم طراحی شده‌اند. از این رو، ضروری به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران برای اجرا و ارزیابی موفق سیاست‌های امنیتی خود به دنبال مدلی بومی باشد که علاوه بر بهره‌گیری از مدل‌های موجود، ارزش‌ها، اقتضائات و نیازهای بومی جمهوری اسلامی ایران نیز در آن لحاظ شده باشد. لذا هدف از انجام این تحقیق ارائه مدل جدید و کاربردی اجرا و ارزیابی در سیاست‌گذاری حوزه امنیت داخلی در ج.ا.ایران است.

۱) در این تحقیق، سؤال اصلی عبارت است از اینکه: مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاست‌گذاری امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

سؤال فرعی نیز این‌چنین طرح شده است که: در صورت بروز بحران در حوزه امنیت داخلی، ج.ا.ایران چگونه می‌تواند با آن روبرو شود که تابع حداقل هزینه و حداکثر سود باشد؟

۲) به‌منظور پاسخ به سؤالات مذکور، فرضیاتی مطرح شده است. فرضیه اصلی بدین شکل است که: به دلیل پیچیدگی و چندپارگی مؤلفه‌های امنیتی به نظر می‌رسد مدلی ترکیبی از نظریه‌های اتریزیونی و هیرشمن با عنوان مدل تلفیقی اتریزیونی- هیرشمن، مدل مطلوب برای تأمین امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران باشد.

بر این اساس امنیت در تعریفی ساده، عبارت است از شرایطی که طی آن شهروندان جامعه بتوانند بدون برخورد با موانع از حقوق خود بهره‌مند شوند.

سیاست‌گذاری امنیتی سومین واژه مورد بررسی است. سیاست‌گذاری امنیتی شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد (ره‌پیک ۱۳۸۷، ۶۰). سیاست‌گذاری امنیتی بدان معنی است که موضوعی به‌عنوان چالش‌های حال یا آتی امنیت جامعه نمایان شده که نیاز به راه‌حل دارد. از این رهگذر، فلسفه وجودی مطالعات سیاست‌گذاری امنیتی ناظر به این موضوع است که در پهنه کشور و جامعه، مسائلی وجود دارد که باید در تقویم سیاست‌گذاری کلان کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بدان‌ها پاسخی داده شود. (باوند ۱۳۸۰، ۲۳-۳۱)

آن بخش از سیاست‌گذاری عمومی که ناظر بر حمایت و گسترش ارزش‌های حیاتی ملی علیه تهدیدات موجود و بالقوه است و یا آن دسته از سیاست‌های ملی که عمدتاً برای دستیابی به مقاصد امنیت ملی ما را راهنمایی می‌کند را سیاست‌گذاری امنیت ملی می‌نامند (تاجیک ۱۳۸۱: ۸۹).

در مجموع، سیاست‌گذاری امنیتی، «فرآیند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیماتی است که باهدف حل یک آسیب و مسئله‌ی امنیتی طراحی شده است». به بیانی دیگر، سیاست‌گذاری امنیتی در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از «هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت که شامل اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضائی، انتظامی، امنیتی و... می‌باشد».

بر این اساس «آن دسته از اقدامات و سیاست‌هایی که برای دستیابی به مقاصد امنیت داخلی انجام می‌گیرد، سیاست‌گذاری در حوزه امنیت داخلی می‌باشد». واژه آخر، مدل می‌باشد. به‌طور کلی مدل یا الگو طرحی است که از واقعیت گرفته‌شده و روابط بین عوامل اصلی را نشان می‌دهد و می‌توان از آن برای

و خطراتی که به منافع و هنجارهای اساسی فرد و یا جامعه آسیب وارد می‌کند.

امنیت سطوح مختلفی دارد که یکی از سطوح آن، امنیت ملی است. جوزف نای در این باره می‌گوید: امنیت ملی عبارت است از تأمین و تضمین استقلال عمل اجتماعی، میزانی از موقعیت سیاسی، تضمین بقای فیزیکی افراد در داخل مرزهای ملی و بهره‌مندی مورد انتظار از رفاه اقتصادی در سطح حداقل. (ماندل ۱۳۷۷، ۴۹) رابرت ماندل نیز معتقد است امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل ۱۳۷۷، ۵۲)

با این توضیحات، تعریف جامعی که از امنیت ملی می‌توان ارائه داد بدین شرح است: «امنیت ملی به مسئولیت ملی دولت‌ها و توانایی جامعه در جهت کسب و تأمین ایمنی روانی و مادی برای مردم تحت حاکمیت خویش و صیانت از موجودیت فیزیکی، روانی، زیستی، معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم و سرزمین اشاره دارد تا از تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از قدرت‌های داخلی و خارجی نسبت به بقای رژیم و ارتقاء و بهینه‌سازی آن، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و در نهایت تضمین منافع ملی خود ممانعت به عمل آورند».

امنیت داخلی نیز یکی از سطوح امنیت ملی است. در این سطح، هرگونه اقدام، قصد و نیتی که باهدف سرنگونی، ضربه زدن و توقف توانایی‌های ملی در کشور صورت گیرد و یا موجب بروز زمینه‌های عدم وفاداری در شهروندان و تبدیل آن به یک حرکت جمعی مخالف شود، به‌عنوان تهدید علیه امنیت داخلی اطلاق می‌شود.

## امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران

امروزه دو عامل عینی و ذهنی جزئی جدایی‌ناپذیر از تعریف امنیت می‌باشد. عامل عینی شامل فقدان و یا حداقل رساندن تهدیدات و عامل ذهنی شامل ایجاد احساس ظهور و بروز عامل عینی در جامعه می‌باشد. بر این اساس تصور ناامنی، شرایط نامطلوبی را برای انسان به دنبال خواهد داشت تا جایی که حتی در صورت عدم وجود تهدید، امنیت محقق نخواهد شد. با این توضیح می‌توان دو گونه از امنیت با عناوین امنیت سلبی و امنیت ایجابی ارائه نمود.

طبق گفتمان سلبی، امنیت عبارت است از وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، بازیگر توان دفع و مدیریت آن را باهدف صیانت از منافع خود داشته باشد. بر اساس گفتمان ایجابی، امنیت وضعیتی است مبتنی بر وجود نوعی رابطه معقول و متناسب بین خواسته‌های بازیگران با داشته‌های ایشان درون یک واحد سیاسی که در نهایت تولید رضایتمندی نزد بازیگران می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۲-۲۳). کلیدواژه اصلی در تعریف امنیت ایجابی، «رضایتمندی» است که تحقق امنیت رابطه‌ای مستقیم با آن دارد.

در مقابل واقع‌گرایان که امنیت را در سایه قدرت می‌دیدند، آرمان‌گرایان امنیت را حاصل صلح می‌دانند و معتقدند، این صلح پایدار است که تأمین امنیت می‌نماید (برکوتیز و باک ۱۳۷۷، ۸۶) در رهیافت آرمان‌گرایانه، امنیت جنبه ایجابی دارد و رضایتمندی مردم عاملی مهم در سنجش تحقق امنیت می‌باشد.

در دوره پسا جنگ سرد نیز، پیش‌فرض‌های واقع‌گرایانه امنیت در ورای آثار مکاتبی همچون مکتب کپنهاک، مکتب ولز، آثار فمینیستی و پسا ساختارگرایان به چالش کشیده شد. (Karacasulu and Uzgören, 2007, 2) و در موج چهارم امنیت، مطالعات امنیتی

پیش‌بینی و تصمیم‌گیری استفاده کرد. همواره می‌توان مدلی از سیستم موردنظر ایجاد کرد و سپس به کمک آن نتایجی را که از تصمیمات گوناگون در سیستم حاصل می‌شود مورد مذاقه قرارداد. یکی از هدف‌های مدل‌سازی، ساده کردن و نشان دادن اجزا و عناصر اصلی و موردنیاز یک سیستم می‌باشد. گاهی اوقات در الگو، عوامل اضافی و مُخل، عمداً کنار نهاده می‌شوند تا مدلی به دست آید که ضمن نشان دادن اجزای اصلی و ارتباط بین آن‌ها، به اندازه کافی ساده و روشن باشد (الوانی و میرشفیعی ۱۳۶۹، ۳-۴).

مدل چارچوبی مفهومی ایستا و یا پویا می‌باشد که در تشریح، پیش‌بینی، تجویز و بازسازی واقعیت؛ محقق و سیاست‌گذار را یاری می‌کند. در مدل‌سازی، نوعی غربالگری مبتنی بر تحلیل نظری نهفته است و لذا نظریه‌پردازی و مدل‌سازی ملازم یکدیگرند. توضیح اینکه مدل‌ها مبتنی بر نظریه ساخته خواهند شد و ضمن ارتقاء شفافیت و ارتقاء امکان کاربست نظریه، از عمق کمتری نسبت به نظریه برخوردارند. در پژوهش حاضر با توجه به کاربست روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، عمده تلاش معطوف به نظریه‌پردازی خواهد شد و لذا مقصود از مدل در این تحقیق بیشتر متوجه نظریه است.

## روش تحقیق

روش این پژوهش کیفی می‌باشد که با تکیه بر تحلیل و توصیف محتوای نوشته‌های مربوط به برخی رخدادهای امنیتی در جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است.

در گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای، از طریق بررسی منابع مکتوب و غیر مکتوب و مراجعه به کتابخانه و پایگاه‌های الکترونیکی انجام گرفت. همچنین برای کسب برخی اطلاعات از روش مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران نیز استفاده می‌گردد. در مورد ابزار مورد استفاده نیز از فیش‌برداری استفاده شده است.

مانند نظریه، طرح مفهومی، عقاید اساسی، فرهنگ، هنجار و هویت است اذعان نمایم.

با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مردم پایه است، بنابراین بیش از اینکه تعاریف قدرت محور، اقتدار محور و یا اقناع محور مورد توجه باشد مجذوب کردن و «رضایت‌مندی» مورد توجه است. از سوی دیگر بخش عمده‌ای از قدرت جمهوری اسلامی ایران در داخل و همچنین در جهان اسلام و منطقه ناشی از اتصال به نیروها و جریان‌ات «مردمی» است. لذا در این مقاله بر امنیت مثبت خصوصاً بر مکاتب انتقادی تأکید می‌شود و به رضایت‌مندی و تحقق بخش مطلوبی از انتظارات توجه خاصی به عمل می‌آید. در واقع ایجاد رضایت و پر کردن شکاف میان فضای داشته-خواسته به‌عنوان مهم‌ترین عامل تحقق امنیت داخلی معرفی می‌گردد.

*مدل اجرا در سیاست‌گذاری امنیت داخلی جمهوری*

*اسلامی ایران:*

منظور از اجرا، به‌کارگیری و عملیاتی نمودن سیاست‌ها برای رسیدن به اهداف مطلوب و مشخص می‌باشد. در بیان دیگر، به مجموعه عملیات و اقدامات سازمان‌ها و مؤسسات مجری و چگونگی انجام دادن آن‌ها، اجرا گفته می‌شود.

مدل هر می‌تریونی را می‌توان به‌عنوان یکی از مدل‌های اجرا بکار بست که ذیل به تشریح و بسط این مدل در سیاست‌گذاری امنیت داخلی پرداخته می‌شود.

اتزیونی (۱۹۶۱) همراهی و موافقت با فرامین، قوانین، سیاست‌ها و آنچه به تصویب رسیده را برای اجرا، ناشی از وجود سه انگیزه می‌داند. این سه دلیل و انگیزه را می‌توان در سه رأس مثلث قرارداد. رأس بالایی مثلث بر اهمیت بیشتر آن مؤلفه دلالت دارد. در درجه نخست گاهی اوقات رفتار افراد برخاسته از «عشق» و علاقه است. بدین معنا که فرد مجری، کاری را که انجام می‌دهد، خود مشتاق آن است و متناسب

انتقادی خصوصاً مکتب ولز با طرح مفهوم «رضایت» و «انتظار»، برداشت جدیدی از امنیت مطرح می‌نماید.

همان‌طوری که گفته شد، علاوه بر مفهوم انتظارات، مفهوم رضایت نیز مطرح است. در این چارچوب با تشریح موقعیت فرد در سه وضعیت جایگزین می‌توان به تشریح مفهوم امنیت پرداخت. در وضعیت اول، فرد در فضای اجتماعی (داشته) مطرح می‌شود. در این حالت انسان در چارچوب شرایط، موقعیت و شأن و منزلت اجتماعی که از آن برخوردار است، تشریح می‌گردد. در وضعیت دوم، فرد در فضای مطلوب (خواسته) مورد نظر است. در این وضعیت آرزوها، امیال و انتظارات فرد مطرح است. مواردی که فرد تمایل دارد به آن‌ها دست یابد، اما در شرایط و وضعیت اجتماعی که در آن قرار دارد از آن محروم است. وضعیت سوم به حفاصل و میزان شکاف میان این دو وضعیت اشاره دارد. به‌بیان دیگر موقعیت و وضعیت اول بر آنچه فرد دارد، تأکید می‌نماید، وضعیت دوم به آنچه فرد انتظار دارد که داشته باشد و وضعیت سوم به شکاف و فاصله میان آنچه دارد و آنچه می‌خواهد داشته باشد، اشاره می‌نماید. این فاصله میزان رضایت و نارضایتی فرد را مشخص می‌نماید. مطالعات امنیتی انتقادی فاصله میان انتظارات افراد و آنچه از آن برخوردار است را فضای امنیتی جامعه تعریف می‌نماید و اعتقاد دارد که میزان امید و یا ناامیدی در دستیابی به انتظارات و توقعات، ضریب امنیت و ناامنی را مشخص می‌نماید.

نگاه مطالعات امنیتی انتقادی به امنیت ایجابی است. آنان معتقد هستند، حفظ و گسترش امنیت امری قابل تحقق می‌باشد. راهکارهای این رهیافت برای تحصیل امنیت مبتنی بر برداشت آنان از مفهوم امنیت یعنی رضایت و چگونگی پر کردن خلأ و شکاف میان فضای داشته-خواسته می‌باشد. (عبدالله‌خانی ۱۳۸۳، ۲۶۱-۲۶۰) واضح است که پذیرش رضایت‌مندی مستلزم آن است به نقش ذهن که شامل موضوعاتی

روانی به شخص یا اشخاص دیگر برخوردار باشد؛ بنابراین، قدرت اجبار بر پایه ترس، وحشت و یا تهدید قرار دارد (مورهد و گریفین ۱۳۸۵، ۳۸۵) این نوع قدرت مبتنی بر توانایی تنبیه، جریمه و یا تهدید افراد، در صورت اطاعت نکردن یا انجام ندادن وظیفه است و از محروم کردن از امتیازات کوچک تا خروج و محرومیت کامل را شامل می‌شود. به این ترتیب توانایی ایجاد ترس در برابر نافرمانی، یک کاربرد این نوع قدرت است. هرچند که به طور قطع نمی‌توان گفت تأثیر تنبیه یا ترس، از تکرار عمل مخرب جلوگیری می‌نماید.

از سوی دیگر، اجرای قدرت اجبار به طور مستمر و مداوم باعث دلسردی، ترس، یأس و درنهایت پایین آوردن کارایی و عملکرد، نارضایتی و خروج خواهد شد (مشبکی ۱۳۸۵، ۲۹۶) بر این اساس است که تنبیه، ترس، زور و برخورد، پدیده‌ای بسیار پیچیده می‌باشد و استفاده از آن مستلزم دقت فراوان است. (لوتانز ۱۳۷۵، ۴۷۸)

دست‌آخر، «قدرت پاداش» نیز بر این اساس قرار دارد که یک نفر (اعمال‌کننده نفوذ) این توانایی را دارد که بر فرد دیگری (کسی که تحت اعمال نفوذ قرار می‌گیرد) به سبب اجرای دستورات یا انجام دادن کارها پاداش بدهد. (استونر ۱۳۷۹، ۵۸۹) به عبارتی دیگر، قدرت پاداش، توان فراهم آوردن چیزهایی است که افراد تمایل دارند داشته باشند. (رضائیان ۱۳۸۵، ۴۰۵) این قدرت، نقطه مقابل قدرت مبتنی بر زور و اجبار است و برخلاف قدرت اجبار، احتمال تکرار عمل را در آینده افزایش می‌دهد.

قدرت پاداش برحسب درجه کنترل یک شخص بر پاداش‌هایی که برای دیگران ارزش دارد، سنجیده می‌شود. البته اعمال‌کننده نفوذ تا آنجایی از قدرت پاداش برخوردار خواهد بود که بتواند برای ارضای این نیازها، اقدام مناسب را به عمل آورد (مورهد و گریفین ۱۳۸۵، ۴۰۶) این قدرت ممکن است، علاوه بر توانایی

بازرزش‌ها و روحیه خود می‌داند. پس بدین دلیل که این افراد، خواهان انجام آن هستند در این‌گونه امور و انجام آنچه از این افراد خواسته می‌شود، نیازی به اجبار نیست. گروه دوم افرادی هستند که از روی «ترس» عمل می‌کنند، این ترس ممکن است ناشی از پیامدهای عدم اجرای سیاست و در سطحی پائین تر ناشی از عدم اجرای دستورات باشد. در واقع کاربرد ترس در فرآیند اجرا، ناشی از استفاده از نیروی قهرآمیز در این فرآیند است. سرانجام گروه سوم شامل افرادی است که دلیل همراهی آن‌ها ممکن است منافع مادی یا «پول» باشد. این گروه سوم حتی اگر از اجرای آنچه انجام می‌دهند، تنفر داشته باشند اما به دلیل منفعت یا پاداش مادی که انتظار کسب آن را دارند به انجام آن عمل یا اجرای آنچه به تصویب رسیده، تن در می‌دهند. (ملک‌مطیعی ۱۳۸۴، ۲۵۳)

طبق آنچه گفته شد، در نگاه اتزیونی اجرای سیاست‌ها می‌تواند محصول به‌کارگیری سه نوع قدرت شامل قدرت هنجاری یا هویتی (عشق)، قدرت اجبار یا سرکوبگر (ترس یا قهریه)، قدرت پاداش (مالی یا نفع طلبی) باشد (شکل ۱). این سه نوع قدرت به ترتیب مبنای نمادین، فیزیکی و مالی دارند.

«قدرت هنجاری» ناشی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و عبارت است از حق تصمیم‌گیری در مواردی که افراد، با توجه به‌عنوان یا جایگاه در جامعه، در شأن او بدانند. قدرت هنجاری یا هویتی از توانایی در دست‌کاری و تخصیص نمادها و سمبل‌ها ناشی می‌شود. عشق، محبت و حیثیت از جمله نمادهای خالصی هستند که می‌توان برای کسب فرمان‌بری کارکنان به کاربرد.

حدود این قدرت هم به‌وسیله ماهیت رسمی مقام سازمانی و هم به‌وسیله هنجارها و سنت‌های غیررسمی مشخص می‌شود. (مورهد و گریفین ۱۳۸۵، ۳۸۲)

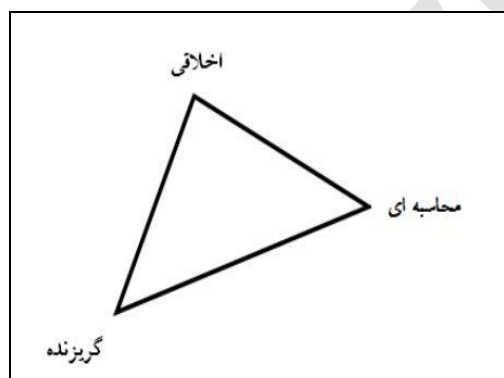
«قدرت اجبار» نیز زمانی پدید می‌آید که شخصی از توانایی تنبیه و یا وارد آوردن لطمه جسمی، مادی یا

به نوعی تعادل در ترکیب این عوامل سه گانه است. این مسئله که در اصل بر پایه فنون و روش های مدیریت منابع انسانی پایه ریزی شده است، مجریان را بر آن می دارد تا میان انواع قدرت و انواع اجرا نوعی تعادل به وجود آورند. برای این کار لازم است نوع و میزان وابستگی افراد بررسی و مشخص گردد.

به اعتقاد اتریونی، قدرت یا اختیاری که سازمانها نسبت به کارکنانشان دارند، ناشی از ماهیت وابستگی آنها نسبت به سازمان است. این وابستگی یا تعهد می تواند بر حسب شدت به یکی از سه شکل زیر باشد که در شکل ۲ نیز نشان داده شده است:

«وابستگی اخلاقی» به سازمانی که اهداف، ارزشها و هنجارها را درونی کرده است.  
«وابستگی حسابگرانه»، هنگامی اتفاق می افتد که مشارکت در سازمان و پیوند با آن توسط پاداش های خارجی صورت می گیرد.

سرانجام «وابستگی گریزنده»، گرایش منفی را نسبت به سازمانی نشان می دهد که نوعاً مبتنی بر موقعیت هایی است که محدودکننده رفتار می باشد.



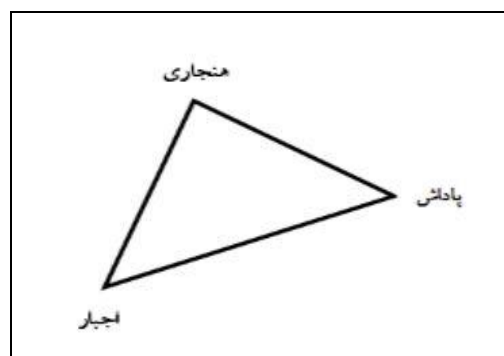
شکل ۲: انواع وابستگی در اجرای سیاست

سه نوع وابستگی و سه نوع قدرت در کنار هم به شکل تبعیت از سازمان یا ارتباط سازمان با فرد و فرد با سازمان و به عبارتی دقیق تر ۹ روش «اجرا» را به دست می دهد که انواع رابطه ها در جدول (۱) خلاصه شده است.

دست کاری منابع مالی برای پاداش های مادی، به دیگر پاداش ها مانند شهرت، مقام و ... نیز گسترش یابد.

از دیدگاه فرنچ و ریون قدرت پاداش منجر به پذیرش ساده افراد می شود که تا حدودی تعهد و وفاداری را به وجود می آورد. (رضائیان ۱۳۸۵: ۴۰۴) مقاومت افراد نیز در برابر قدرت پاداش به حداقل می رسد و عدم مقاومت ساده آنها باعث به وجود آمدن فضای نسبتاً باز می شود.

البته استفاده دائمی از پاداش مادی لزوماً همیشه فراهم نیست و ضمن اینکه آثار استفاده از این نوع قدرت، کوتاه مدت است و ممکن است افراد چنین تصور کنند که با استفاده از این نوع پاداش می خواهند آنان را دستاویز خود قرار داده و آن را جدی نگیرند. بر این اساس اتکا به قدرت پاداش با مشکلاتی نیز همراه می باشد. (مشبکی ۱۳۸۵، ۲۹۵)



شکل ۱: انواع قدرت در اجرای سیاست

به نظر می رسد در دنیای واقعی اجرای یک سیاست نیازمند ترکیبی از این سه رأس مثلث است، هرچند که بعید نیست که با یکی از این سه مؤلفه بتوان به یک اجرای موفق یا نسبتاً موفق دست پیدا کرد. به همین دلیل است که اکثر سازمانها علیرغم اینکه معمولاً یکی از روشها را به روشهای دیگر ترجیح می دهند، تلاش می کنند تا از هر سه شیوه کنترل استفاده کنند. باور اتریونی نیز بر این است که ترکیب این عوامل می تواند یک نتیجه قابل قبول به دست بدهد، یعنی اجرای موفقیت آمیز سیاستها محصول دستیابی



جدول ۱: اشکال تبعیت از سازمان یا ارتباط سازمان با فرد و بالعکس

نوع وابستگی			
نوع قدرت	گریزنده	حسابگرانه	اخلاق
اجباری	۱	۲	۳
پاداشی	۴	۵	۶
هنجاری	۷	۸	۹

(منبع: سازمان‌ها، سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز تألیف ریچارد اسکارت ترجمه دکتر میرزایی اهرنجاتی)

اثربخشی سازمانی که دچار تنش و فشارهای ناشی از ناهماهنگی سیستم‌ها باشد بیشتر است.

به نظر می‌رسد برای اجرای موفق سیاست‌ها لازم است تلفیقی متعادل از اجرا در وضعیت‌های ۱، ۵ و ۹ به وجود آورد. به باور اتزیونی، کارآمدی در اجرا، محصول دستیابی به نوعی تعادل در ترکیب عوامل پیشین است. در این تعادل، لازم است تا سطحی پایین از ترس (اجبار و بیگانگی)، سطحی متوسطی از پاداش (پاداش و محاسبه) و سطح بالایی از اجرا از روی عشق (هنجاری و اخلاقی) مشارکت داشته باشند (شکل ۳). (ملک‌محمدی ۲۵۳، ۱۳۸۴)

درواقع اتزیونی در این ایده بر تمایل افراد بر اجرای فرامین و دستورات تأکید دارد و محوریت در اجرا را به افراد می‌دهد. با این توضیح می‌توان گفت که تلفیق درونی از عشق فراوان (همگرایی)، اندکی ترس (تهدید) و پول مناسب (مبادله) در بین افراد، به‌عنوان متغیر مستقل نظریه اتزیونی در اجرای موفق سیاست‌ها می‌باشد.

در مقاله حاضر، هر سه روش اجرا در رئوس مثلث قرار داده شده و مثلث مذکور (شکل ۴) بنام مثلث L.R.F نامیده می‌شود (L.R.F: Love, Reward, Fear)

اتزیونی اعتقاد دارد که معمولاً یک قدرت خاص با یک وابستگی خاص تلاقی می‌کند و به این‌سان شکل‌های معمول تبعیت را می‌توان در وضعیت‌های ۱، ۵ و ۹ یافت. به عبارت بهتر قدرت قهریه، وابستگی گریزنده ایجاد می‌کند و بالعکس. قدرت پاداشی باعث وابستگی حسابگرانه می‌شود و قدرت هنجاری با وابستگی اخلاقی تطبیق می‌کند. دیگر موارد شش‌گانه بیانگر حالات اجرای ناموفق‌اند یعنی اینکه سیستم قدرتی سازمان با نوع وابستگی افراد تطبیق نمی‌کند در نتیجه این ناهماهنگی، نوع وابستگی افراد تغییر خواهد یافت. اتزیونی معتقد است که ثمربخشی ساختار تبعیتی، که منسجم و هماهنگ باشد از

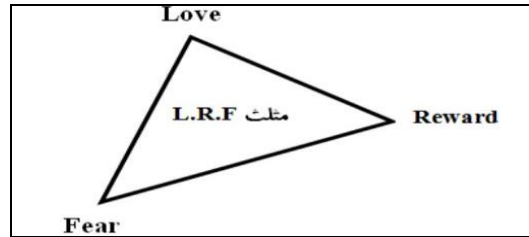


شکل ۳: انواع روش‌های اجرا

جدول ۲: رابطه بین انواع قدرت، انگیزه‌های اجرا و وابستگی

انگیزه‌های اجرا	انواع قدرت اجرا	انواع وابستگی
ترس	اجباری	گریزنده
پول	پاداشی	محاسبه‌ای
عشق	هنجاری	اخلاقی

دریافت دستگاه‌های ارزشی، منابع مالی و اقتصادی، نیروی انسانی، قوانین و مقررات، انتظارات و خواسته‌های مردم را که از ورودی‌های سیستم محسوب می‌شوند، توانمند باشد. در این رویکرد بر کار آیی برنامه‌ها تأکید می‌شود و میزان منابع را با توجه به صرفه اقتصادی تحلیل می‌کنند.



شکل ۴: روش اجرای سیاست

در رویکرد مبتنی بر اهداف تلاش می‌شود به شناسایی و تحقق اهداف از پیش تعیین شده بپردازد و بررسی شود که سازمان در تحقق اهداف تا چه میزان موفق بوده است. در رویکرد مبتنی بر فرآیند، به سلامت درونی سازمان، احترام به قانون، رعایت سلسله‌مراتب و حفظ شئون اداری توجه می‌شود. طبق رویکرد مبتنی بر فرآیند، سازمانی که فرآیندهای آن خوب و بی‌نقص کار کنند سازمان اثربخش محسوب می‌شود.

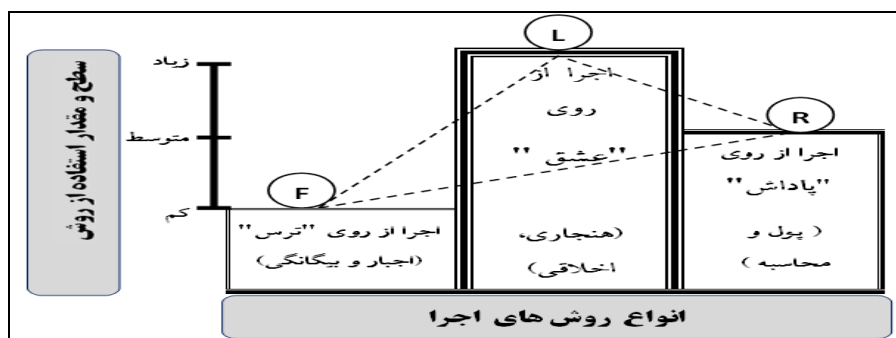
سرانجام، رویکرد دیگری که در ارزیابی وجود دارد، ارزیابی بازخورد یا ارزیابی سیاسی است. این نوع ارزیابی بیشتر بر رابطه دولت و ملت متمرکز است و تجلی آن در رفتارهای جمعی مردم در تائید یا تکذیب رفتارهای دولت نمود پیدا می‌کند. گرچه معیارهای دقیقی برای اندازه‌گیری و روش‌های دقیقی برای ارزیابی‌های سیاسی وجود ندارد اما به‌طور کلی می‌توان فهمید کدام رفتارهای مردم، تائیدی و کدام اعتراضی است. دفاع و حمایت‌های عمومی، انتقاد، اعتصاب و اعتراض‌های عمومی نوعی از شاخص‌های ارزیابی‌های سیاسی و بازخوردی هستند.

در مجموع، آنچه از روش اجرا در این بخش گفته شد در قالب یک مدل، طبق شکل (۵) ذیل ترسیم می‌شود.

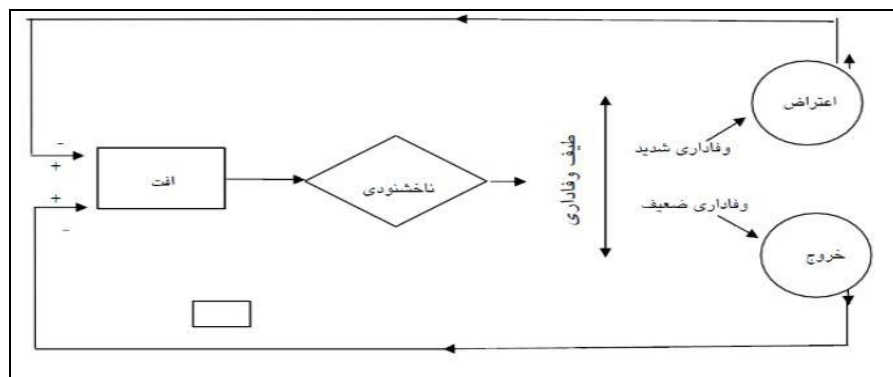
#### مدل ارزیابی در سیاست‌گذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی به‌منظور بررسی اثر اجرای سیاست‌ها و قضاوت در مورد تأثیرات آن‌هاست. به‌طور ساده می‌توان گفت ارزیابی، اثربخشی عمومی را برحسب اهداف تعیین‌شده و نتیجه به‌دست‌آمده بررسی می‌نماید. ارزیابی، آخرین فرصتی است که سیاست‌گذاری را در نتیجه‌ی بد مدیریت شدن یا به نتیجه مطلوب نرسیدن و یا به نتیجه نامطلوب رسیدن، بتوان مجدداً به فرآیند سیاست‌گذاری و بررسی دوباره برگرداند. در این مرحله است که می‌توان عوامل مثبت و منفی را شناسایی نمود و تشخیص داد کدام عامل به تحقق اهداف کمک می‌نماید و کدام‌یک از عوامل محدودکننده محسوب می‌شود.

معمولاً ارزیابی‌ها مبتنی بر چهار رویکرد، شامل منابع، اهداف، فرآیند و بازخورد می‌باشد. در رویکرد مبتنی بر منابع، سازمان موفق، سازمانی است که در



شکل ۵: مدل پیشنهادی برای اجرا



شکل ۶: الگوی کلاسیک «خروج و اعتراض»

دسته نسبت به بقیه و همچنین به منظور همخوانی با مدل پیش‌بینی‌شده، از آن صرف‌نظر می‌شود. بر این اساس در ادامه، مدل مبتنی بر تئوری خروج، اعتراض و وفاداری تبیین و ارائه می‌گردد. نظریه «خروج - اعتراض» (exit-voice theory) نظریه‌ای است پرکاربرد که شکل کلاسیک آن در ابتدا توسط آلبرت هیرشمن<sup>۴</sup> در کتاب خروج، اعتراض و وفاداری (۱۹۷۰) ارائه گردید. (شکل ۶) علی‌رغم کاربرد نظریه «خروج - اعتراض» توسط هیرشمن برای بنگاه‌سازمان، می‌توان مدلی بنیادین با کاربردهای متنوع از این نظریه ارائه داد. بر همین اساس به تدریج اندیشمندان سایر حوزه‌های علمی همچون سیاست‌شناسان، جامعه‌شناسان و ... کاربردها و شکل‌های متنوعی به آن دادند. در مقاله حاضر، از این نظریه به‌عنوان مدلی برای ارزیابی استفاده شده است.

در تطبیق و کاربرد دیدگاه هیرشمن، می‌توان سه دسته رفتار و واکنش از سوی مردم در رابطه با اجرای سیاست‌ها ارائه کرد که شامل: خروج، اعتراض و وفاداری می‌باشد. این سه واکنش را در رئوس مثلث قرار داده و آن را مثلث خروج، اظهار و وفاداری و مدل E.V.L نامیده می‌شود (شکل ۷) (EVL: exit, voice, loyalty)

طبق تعریف ارائه‌شده در این پژوهش، منظور از امنیت، ایجاد احساس ایمنی ناشی از رفع تهدیدات، آسیب‌ها و رضایتمندی حاصل از کاهش فاصله میان خواسته‌ها و داشته‌ها در بین مردم و جامعه می‌باشد؛ بنابراین طبق این تعریف، مردم و جامعه نقشی محوری در مباحث امنیتی دارند.

رفتارها و واکنش‌های مردم جامعه در قبال سیاست‌های اجراشده به‌منظور تأمین امنیت داخلی به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

دسته اول شامل کسانی است که نسبت به نتایج حاصل از اجرای سیاست‌ها، از رضایتمندی و احساس امنیت، در حد مطلوبی برخوردارند. رفتار این عده از افراد جامعه در قبال نظام سیاسی و دولت، رفتاری توأم با تائید، حمایت و وفاداری می‌باشد.

برخی نیز از نتایج اجرای سیاست‌ها در حوزه امنیت داخلی راضی نمی‌باشند. عده‌ای از این افراد که در دسته دوم قرار می‌گیرند، علی‌رغم نارضایتی، خود را در مقابل حکومت نمی‌بینند به همین منظور اقدام به اعتراض جهت تغییر و بهبود سیاست‌ها می‌نمایند، ولی در دسته سوم، افراد مخالف خود را با رفتار تقابلی و درگیری با نظام و حکومت اعلام می‌کنند.

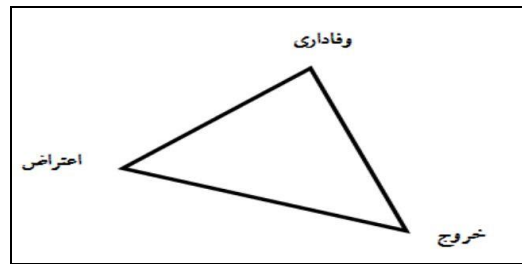
البته برخی از اندیشمندان بالأخص در حوزه روانشناسی به دسته چهارمی از رفتار مردم در جامعه معتقد هستند که شامل افراد بی‌تفاوت یا بی‌اعتنا به سیاست‌ها می‌باشند. لکن به دلیل کم‌اهمیت بودن این

می‌بایست تغییر سیاست به منظور تحقق اهداف انجام پذیرد.

همان‌طوری که گفته شد روش اعتراض می‌تواند بر روی تغییر موقعیت موجود که موجب بروز نارضایتی است، تأثیرگذار باشد یا آنکه شهروند نسبت به سازمانی و حکومتی که بدان وابسته است و تصمیمات آن، احساس وفاداری نماید. از اینجاست، سومین رأس مثلث یعنی وفاداری ظاهر می‌گردد. وفاداری گزینه‌ای است که میان دو گزینه خروج و اعتراض جای می‌گیرد و منجر به تأخیر گزینه خروج و افزایش میزان گرایش به گزینه اعتراض می‌شود. حصول چنین رفتار حمایت‌گرایانه و وفادارانه‌ای از سوی مردم در قبال سیاست‌ها، نشان از موفقیت در اجرا و تحقق اهداف دارد. بر این اساس، تداوم سیاست انتخابی بلامانع می‌باشد.

البته ممکن است که یک شهروند حتی با داشتن امکان خروج، به این نتیجه برسد که مسئله ترک از سوی او، نوعی عدم وفاداری تلقی می‌شود و لذا کاری نادرست است. در اینجا، استدلال غالب آن است که اگر همگان تصمیم به خروج بگیرند، آنگاه جامعه رو به خرابی و زوال خواهد گذارد و به همین دلیل، آنان بجای خروج، گزینه وفاداری یا اظهار را انتخاب می‌نمایند.

نکته دیگری که در ارتباط با رفتار عقلانی بازیگران است، مسئله هزینه‌های خروج در مقابل هزینه‌های ورود می‌باشد. در این حال، هر چه هزینه‌های ورود بیشتر باشد، میزان تمایل به خروج، کمتر خواهد بود و هر چه میزان وفاداری بالاتر باشد رغبت به خروج، پایین‌تر می‌آید؛ بنابراین، وفاداری در شرایطی که هزینه‌های ورود و خروج، بالاست، حالتی غالب پیدا می‌کند و در هر دو مورد یعنی ورود و خروج با هزینه‌های بالا، شهروندان ترجیح می‌دهند به جای خروج کامل، از حالت وفاداری یا اعتراض، استفاده نمایند. (ملک محمدی ۱۳۸۴، ۲۵۶)



شکل ۷: انواع واکنش‌ها به سیاست

مدل E.V.L که بر پایه رفتار عقلانی بازیگران بناشده است، واکنش‌های سه‌گانه‌ای را در زمان دریافت نتایج سیاست‌ها، توسط افراد جامعه و دریافت‌کنندگان سیاست‌ها نشان می‌دهد. نخستین واکنش، خروج می‌باشد که علاوه بر نارضایتی، به معنای ناامیدی و عدم تلاش در راستای بهبود و حتی مقابله با سیاست و سیاست‌گذار مربوطه می‌باشد. به عبارت دیگر، افراد مخالف، به دنبال تغییر و جایگزینی حوزه شمول و سیستم (حاکمیت و سیاست‌گذار) می‌باشد. این نوع واکنش، بدترین نتیجه حاصل از ارزیابی است که بر این اساس می‌بایست اجرای چنین سیاستی با قید فوریت متوقف‌شده و در راستای رفع اشتباهات و کاهش هزینه خسارت، سیاست جدیدی اتخاذ گردد.

واکنش دوم، اعتراض نام دارد که به معنای بیان منافع و خواسته‌هاست. توسل به روش اعتراض به جای خروج، تلاش برای تغییر فعلیت‌ها و سیاست‌های حکومت و دولتی است که به آن وابسته است. اعتراض، دارای اثری هشداردهنده در خصوص ناکامی سیاست‌ها می‌باشد و می‌تواند به‌عنوان روشی مکمل برای خروج عمل نماید یا آنکه اساساً به مشابه روشی جایگزین مطرح گردد. حصول چنین رفتاری بین دریافت‌کنندگان سیاست، در نتایج ارزیابی سیاست، نشان از بروز سطحی از مخالفت می‌باشد که در صورت تغییر به موقع و صحیح در سیاست، می‌توان رفتار این دسته را به رفتار وفادارانه تبدیل نمود لکن در صورت عدم اقدام مناسب، این پتانسیل وجود دارد که این دسته از معترضین به سیاست، به دسته اول بپیوندند. بر این اساس در ادامه فرآیند سیاست‌گذاری



مرحله‌ی تکمیل‌کننده فرآیند سیاست‌گذاری مطرح می‌باشد.

در صورتی که نتیجه ارزیابی حاکی از دستیابی به اهداف و نتایج از پیش تعیین شده باشد، فرآیند خاتمه داده می‌شود. خاتمه سیاست، می‌تواند نقطه آغازی باشد برای پیوند چرخه‌های متوالی در سیاست‌گذاری؛ اما در شرایطی که نتایج حاصل از ارزیابی، بر عدم حصول نتایج و اهداف موردنظر دلالت کند، دو راه پیش روی سیاست‌گذاران است؛ در صورتی که با اعمال پاره‌ای از تغییرات جزئی امکان اصلاح وجود داشته باشد، اصلاحات لازم در سیاست انجام می‌شود لکن اگر اصلاح، جوابگوی انحراف در سیاست‌گذاری نبوده و نیاز به تغییرات بنیادین داشته باشد، لازم است سیاست متوقف شده و تغییرات اساسی اعمال گردد.

پس نتایج ارزیابی منجر به اتخاذ یکی از گزینه‌های خاتمه، اصلاح (تغییرات جزئی) و یا توقف (تغییرات اساسی) در سیاست خواهد شد؛ که به ترتیب با  $R^1$ ،  $E^0$  و  $C^V$  نشان داده می‌شود.

بر اساس نتایجی که از وضعیت‌های مختلف در ارزیابی به دست آمده است، ادامه فرآیند به شرح ذیل خواهد بود:

در وضعیت  $L.L$  که حداکثر اهداف و نتایج از پیش تعیین شده در سیاست‌گذاری به دست آمده است، خاتمه سیاست پیشنهاد می‌شود. در وضعیت  $L.V$  با توجه به دستیابی نسبی به اهداف و نتایج موردنظر، اعمال تغییرات جزئی و اصلاح پیشنهاد می‌شود و در وضعیت  $L.E$  علیرغم روش اجرای مطلوب، به دلیل عدم حصول نتایج از پیش تعیین شده، توقف سیاست و اعمال تغییرات بنیادین مطرح نظر می‌باشد. (لازم به ذکر است طبق مطالب گفته شده، احتمال وقوع حالت  $L.E$  بسیار کم می‌باشد)

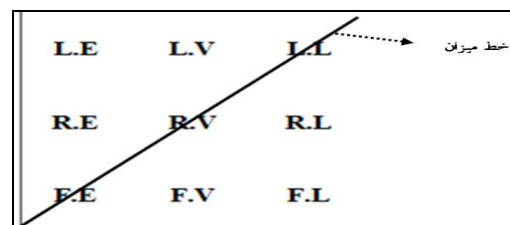
گزینه  $R.L$  که حداکثر نتیجه در روش اجرای  $R$  را به دست آورده است، خاتمه سیاست پیشنهاد می‌گردد. گزینه  $R.V$  نیاز به اعمال پاره‌ای از تغییرات جزئی در

اول اینکه، در مدل  $L.R.F$  هر چه از طرف  $L$  به سمت  $R$  و سپس  $F$  حرکت شود و همچنین در مدل  $E.V.L$  از سمت  $L$  به  $V$  و سپس  $E$  متمایل شود، میزان رضایتمندی کمتر خواهد شد. بر این اساس، بهترین امتیاز کسب شده مربوط به موقعیت  $L.L$  با حداکثر امتیاز و کمترین ارزش متعلق به موقعیت  $F.E$  می‌باشد. سایر امتیازبندی‌ها که از موقعیت‌های نه‌گانه انجام می‌گیرد به شرح جدول ۴ می‌باشد:

جدول ۴: امتیازبندی هر واقعه

نتیجه ارزیابی			روش اجرا
E	V	L	
۳	۶	۹	L
۲	۵	۸	R
۱	۴	۷	F

نکته دوم آن است که هر موقعیت به اندازه‌ای که از حالت معمول واقعه (خط میزان) فاصله بیشتری داشته باشد، احتمال وقوع آن کمتر خواهد شد. بر این اساس طبق نمودار شکل ۱۱، هر موقعیتی که به خط میزان نزدیک‌تر باشد، احتمال وقوع بیشتری دارد و فاصله بیشتر با خط میزان، نشان از احتمال وقوع کمتر دارد؛ بنابراین احتمال وقوع وضعیت‌های  $L.L$ ،  $R.V$  و  $F.E$  بسیار است ولی وضعیت‌های  $L.E$  و  $F.L$  که بیشترین فاصله را نسبت به خط میزان دارند، احتمال وقوع بسیار کمی دارد.



شکل ۱۱: نمودار خط میزان و احتمال وقوع موقعیت‌ها

از اهداف انجام ارزیابی در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری برای ادامه فرآیند با اتخاذ رویکرد خاتمه یا اعمال تغییرات در سیاست می‌باشد که به‌عنوان

مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای مردم باشد و در کنار بهره‌مندی از اجرای مبتنی بر پاداش مناسب، استفاده از زور، اجبار و ترس در حد کمی وجود داشته باشد. در این راستا مدل L.R.F که مبتنی بر رضایتمندی است به‌عنوان مدل مطلوب اجرای سیاست‌های امنیت داخلی ارائه گردید.

سیاست با ترکیب‌های یادشده، به اجرا درمی‌آید. پس از اجرا، نوبت به آزمون سیاست می‌رسد که اصطلاحاً از آن با عنوان ارزیابی یاد می‌شود. در این حال، بالاترین آزمون برای اجرای سیاست‌ها، با توجه به نقش محوری مردم، میزان رضایت شهروندان می‌باشد. شهروندان ممکن است از نتایج به‌دست‌آمده از اجرای سیاست‌ها، خشنود یا ناخشنود باشند. خشنودی از اجرای سیاست‌ها به ادامه سیاست و تلاش برای افزایش میزان اثربخشی و کارآمدی آن منجر خواهد شد؛ اما اگر «دریافت‌کنندگان سیاست‌ها» یعنی شهروندان، چهره‌ای نامطلوب از سیاست را در ذهن بیاورند و با پایین آمدن استانداردهای خدمات عرضه‌شده، به گزینه‌های دیگری همچون اعتراض و یا مقابله می‌اندیشند.

بر این اساس به‌منظور سیاست‌گذاری در حوزه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، مدل L.R.F<sup>۸</sup> برای اجرای سیاست‌ها و مدل E.V.L<sup>۹</sup> برای ارزیابی سیاست، به‌عنوان مدل مطلوب، معرفی، طراحی و تبیین شدند.

در مثلث‌های E.V.L و L.R.F رئوس بالاتر نشان از اهمیت، نیازمندی و تخمین موفقیت بیشتر می‌باشد. به بیانی دیگر در مدل اجرای L.R.F ابتدا روش L سپس R و درنهایت F از اهمیت و نیازمندی بیشتری برخوردار است. در مقابل، طبق نتایج به‌دست‌آمده از ارزیابی بر اساس مدل E.V.L، کسب موفقیت و تحصیل نتایج مطلوب در گزینه L سپس تا حدودی در گزینه V می‌باشد و گزینه E نتیجه نامطلوب می‌باشد.

سیاست دارد و گزینه R.E نیازمند توقف سیاست و اعمال تغییرات اساسی است.

شرایط F.L بیشترین بهره و دستاورد را در روش اجرای F داشته است علیرغم اینکه نتیجه به‌دست‌آمده منجر به وفاداری شده است لکن توصیه می‌شود که به کمترین میزان از این روش اجرا استفاده شود، بدین منظور اصلاح سیاست پیشنهاد می‌گردد. در شرایط F.V و F.E نیز ضرورت دارد توقف سیاست و اعمال تغییرات بنیادین صورت گیرد.

تصمیمات اتخاذشده فوق‌الذکر در جدول ۴ ترسیم شده است. همان‌طوری که در جدول ۵ مشاهده می‌شود صرفاً در دو وضعیت L.L و R.L رضایت موردنیاز به دست می‌آید و منجر به پایان سیاست می‌شود. در سه دسته از شرایط از جمله F.L، L.V و R.V گزینه R به معنای اصلاح جزئی سیاست انتخاب شده است و در چهار گونه باقیمانده شامل F.V، L.E، R.E و F.E گزینه C به معنای توقف سیاست و ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین پیشنهادشده است.

جدول ۵: نتایج ارزیابی سیاست‌گذاری

نتیجه ارزیابی			
E	V	L	روش اجرا
C	R	E	L
C	R	E	R
C	C	R	F

### نتیجه‌گیری

طبق آنچه عنوان شد، کلیدواژه اصلی در تعریف امنیت داخلی، رضایتمندی است. بر این اساس در طراحی مدل‌های سیاست‌گذاری امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد به‌گونه‌ای عمل گردد که رضایتمندی مردم به‌خوبی تحصیل شود. طبق مدل هرمی اتزیونی به‌منظور ایجاد یا افزایش رضایتمندی و به دنبال آن امنیت داخلی، ضرورت دارد روش اجرای سیاست‌های امنیت داخلی تا حد زیادی

مدنظر قرار داده و در مقابل چنین اجرایی، رفتاری مطلوب و مشابه را انتظار داشته باشند.

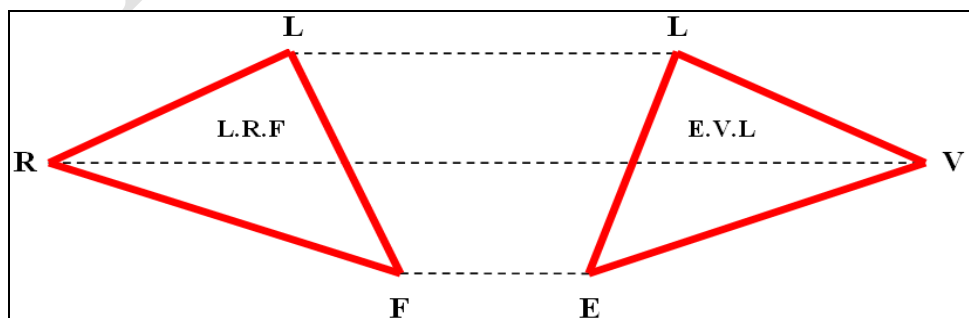
اهمیت آنچه بیان گردید، بیش از آنکه در اجرای سیاست‌های موفق، ظاهر گردد، در پیشگیری از بروز رفتارهای نامطلوب از سوی شهروندان یعنی دریافت‌کنندگان اصلی سیاست‌ها، تأثیر خود را به نمایش می‌گذارد. یک تلفیق درونی خردمندانه از عناصر مدل L.R.F شبیه آنچه بدان اشاره شد (عشق فراوان، پاداش زیاد و کمی ترس) یا هر تلفیق دیگری که سیاست‌گذاران ملی و محلی بر اساس شناخت خویش بدان دست‌یافته‌اند، نتیجه‌ای بالنسبه قابل پیش-بینی در بحران‌های پیش رو را از سوی شهروندان به همراه می‌آورد. وجود مؤسسات عمومی کارآمد از زبان لمب و شافر که کارآمدی آنها را می‌توان نتیجه یک تلفیق درونی خردمندانه دانست، مدل E.V.L را در وضعیتی قرار می‌دهد که وفاداری در رأس بالایی آن قرار می‌گیرد و در صورت بروز بحران، رأس یادشده جای خود را با رأس اعتراض عوض می‌کند. این در حالی است که یک تلفیق درونی احساسی، زودگذر، فاقد آینده‌نگری، بی‌توجه به واقعیات عینی و بناشده بر پایه تخیلات ذهنی، درحالی‌که مدل نخست را در وضعیتی قرار می‌دهد که ترس در رأس بالایی جای می‌گیرد، گونه‌ای از تلفیق بیرونی را موجب می‌گردد که در مدل دوم، راهی جز قرار گرفتن خروج بر رأس بالایی مثلث باقی نمی‌ماند.

هرکدام از رئوس مثلث E.V.L می‌تواند به‌عنوان متناظری از رئوس مثلث L.R.F باشد. به عبارتی روش اجرای L، بیشترین همسویی را با نتیجه L در ارزیابی دارد، روش اجرای R، بیشترین تناسب را با نتیجه V و سرانجام روش اجرای مبتنی بر F، بیشترین ارتباط را با نتیجه ارزیابی E خواهد داشت. رابطه بین رئوس دو مثلث مذکور در جدول ۶ ترسیم شده است.

جدول ۶: رابطه بین رئوس دو مثلث E.V.L و L.R.F

مثلث E.V.L	متناظر	مثلث L.R.F
L	↔↔↔	L
V	↔↔↔	R
E	↔↔↔	F

با ترسیم دو مثلث، ارتباط رئوس یک مثلث با دیگری به‌طور واضح در شکل ۱۲ نمایان می‌باشد. بر این اساس، اجتناب از قرار گرفتن یک مؤلفه نامطلوب مانند E، در رأس بالایی مثلث، مستلزم اجتناب از قرار گرفتن مؤلفه متناظر آن در مثلث L.R.F در رأس بالایی این مثلث می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، این نگاه تلفیقی میان دو مثلث (که می‌توان آن را تلفیق بیرونی نام نهاد)، به سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد تا با دستیابی به ترکیب‌هایی متفاوت از رئوس مثلث‌ها در درون هر مثلث (که می‌توان آن را تلفیق درونی نامید)، یک اجرای مطلوب از سیاست‌ها را



شکل ۱۲: ارتباط رئوس مثلث E.V.L با مثلث L.R.F و بالعکس



الوانی، سید مهدی؛ و میر شفیعی، نصرالله. (۱۳۶۹). مدیریت تولید. چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

برکوویتز، مورتون؛ و باک، پی‌سی. (۱۳۷۷). امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی. پیش‌شماره دوم، پژوهشکده مطالعات راهبردی

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی. جلد اول، تهران: انتشارات ریاست جمهوری.

جولیوس، گولد، ویلیام ل، کولب. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. مترجم مصطفی ازکیا و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۸). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی. تهران: نشر مرتضوی.

رضائیان، علی. (۱۳۸۵). اصول مدیریت. تهران: انتشارات سمت.

ره پیک، سیامک. (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

شافریتز، جی.ام؛ و کریستوفر پی. بریک. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا.

ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت. جلد اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران.

لوتانز، فرد. (۱۳۷۵) رفتار سازمانی، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: مؤسسه بانکداری ایران، چاپ دوم.

ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی. ترجمه و ناشر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.

مشبکی، اصغر. (۱۳۸۵). مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات ترمه.

معین، محمد. (۱۳۵۳). فرهنگ لغات معین. ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.

قرار گرفتن ترس بر رأس بالایی مثلث L.R.F به‌قرار گرفتن خروج بر رأس بالایی مثلث E.V.L منجر می‌شود. در این حال، ترکیب بیرونی در دو مثلث، چهره‌ای منفی به خود می‌گیرد زیرا خروج چه به‌صورت کامل یا به‌صورت مقطعی، هزینه‌های قابل‌توجهی را برای سازمان و افراد در بر خواهد داشت.

نقطه مقابل این حالت، قرار گرفتن عشق در رأس بالایی مثلث L.R.F است که به‌قرار گرفتن وفاداری در رأس بالایی مثلث E.V.L می‌انجامد. در اینجا، تلفیق بیرونی، چهره‌ای مثبت به خود می‌گیرد. لذا وفاداری یا به‌صورت کامل یا به‌صورت متمایل به سمت اظهار، مانع از بروز روش خروج و ایجاد هزینه برای سازمان و افراد می‌شود. از اینجاست که نوع تلفیق درونی مثلث L.R.F یعنی نوع ترکیب ترس، پول و عشق (چوب، هویج و بوسه)، نقطه ابتدایی و مبدأ پراهمیت یک اجرا موفق و به دنبال آن، گزینه‌های پیش روی شهروند در شرایط بخت‌یاری و ناکامی سیاست‌ها محسوب می‌گردد. تعادل درونی مثلث L.R.F به تعادل درونی مثلث E.V.L و تعادل کلی اجرای سیاست‌ها خواهد انجامید.

## منابع و مأخذ

استونر، جیمز ادوارد. (۱۳۷۹) مدیریت، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

اشتراوس، لئو. (۱۳۸۳). فلسفه سیاسی چیست؟ ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰) «فرهنگ امنیت جهانی» در آر. دی، مک کینالی و آر. امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مک کین، لای؛ ودیگران.(۱۳۸۰). امنیت جهانی  
رویکردها و نظریه‌ها. ترجمه اصغر افتخاری. تهران:  
 انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی  
 ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۴) رویکردی تلفیقی  
در اجرا و ارزیابی سیاست ها. مجله دانشکده  
 حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۷: ۲۵۱-۲۶۰.  
 مورهد، گری گوری و گریفین، ریگی. (۱۳۸۵) رفتار  
سازمانی. ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا  
 معمارزاده، تهران: مروارید، چاپ یازدهم.  
 یزدانی، عنایت‌الله؛ و خدابنده، محمد.(۱۳۹۰). امنیت  
در عصر پسامدرن: بررسی تحولات رهیافت‌های  
سیاسی و بین الملل. شماره ۲۵.

Etzoi, A. (1961), A Comparative Analysis of  
Complex Organizations Praegar Press, New  
 Yourk.  
 Hirshman, A.O. (1970) Exit, Voice, Loyalty.  
 Harvard University, Press, Cambridge, Mass.  
 Karacasulu and Uzgören, Elif.  
 (2007). Explaining Social Constructivist  
Contributions to Security Studies. at the  
 METU Conference on International  
 Relations, June 14-15, 2006  
 Lasswell, H.D. & Lerner. D. (1959). The Policy  
Science. Stanford: Stanford University Press.  
 Nutley, S. & Weeb, J.( 2000) Evidence and  
Policy Process. in Davis HTO et al. (2000),  
 What Works? Evidence-based Policy and  
 Practice in public Service. Bristal: Policy  
 Press.  
 Peters, B.G. (2004). American Public Policy:  
Promise and Performance (7 Ed.) N.Y.: CQ

سال نهم / شماره بیست و نهم / بهار ۱۳۹۷

یادداشت‌ها

<sup>1</sup> Lasswell & Lerner

<sup>2</sup> Nutley & Weeb

<sup>3</sup> Peters

<sup>4</sup> Albert O- Hirschman

<sup>5</sup> End Policy

<sup>6</sup> reform Policy

<sup>7</sup> Change policy

<sup>8</sup> (L.R.F: Love, Reward, Fear)

<sup>9</sup> (EVL: exit, voice, loyalty)